رسانه ملی از نگاه جامعه شناسی ساختار، کارکرد و افق‌های تغییر

گفتگو با دکتر مریم زارعیان، جامعه‌شناس

اعتراض به عملکرد رسانه ملی گسترده و ادامه‌دار است. در ماه‌های اخیر، تخلفات متعددی در این رسانه رخ داده که حتی به اعتراض‌های مکرر رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس انجامیده است. در پی تشدید این اعتراض‌ها، مدیریت با عذرخواهی از کنار آنها گذشت، اما تغییری در ساختار ایجاد نشد. این تخلفات در حوزه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و حتی امنیتی بوده و به جای بهبود، عملکرد رسانه وخیم‌تر شده است.

آخرین نمونه، سانسور محورهای اصلی سخنان رئیس قوه قضائیه در حمایت از دولت و رئیس‌جمهور بود. همچنین پخش مصاحبه یک فرد افراطی در اهانت به دو رئیس‌جمهور سابق، تنها ساعتی پس از پیام وحدت‌آمیز رهبر انقلاب، نمونه دیگری از این روند است.

همه اینها درحالی رخ می‌دهد که شرایط جامعه در عرصه ملی و بین‌المللی به‌گونه‌ای است که کشور بیش از هر زمان دیگری به همگرایی و انسجام نیاز دارد.

این موارد نشان می‌دهند رسانه ملی نیازمند تحول بنیادین در محتوا و مدیریت است. تأخیر در این تحول، به زیان کشور خواهد بود. برای بررسی ریشه‌ها و راه‌کارها، با خانم دکتر مریم زارعیان، جامعه‌شناس، به گفت‌وگو نشسته‌ایم که از منظر جامعه‌شناختی به تحلیل ساختار، کارکردها و پیامدهای اجتماعی این نهاد پرداخته است.

***از منظر نظریه‌های رسانه، وقتی نهادی مانند صداوسیما از منابع عمومی و بودجه ملی تغذیه می‌کند، انتظار نظری و کارکردی از آن چیست؟**

– در نگاه نظری، هر رسانه‌ای که از بیت‌المال ارتزاق می‌کند، رسالتی چندگانه اما شفاف بر دوش می‌کشد که عبارتند از اطلاع‌رسانی متقن و مستند، بازتاب صادقانه تنوع اجتماعی، گسترش دامنه سرگرمی‌های سالم، تقویت گفت‌وگوی عمومی، و بالاخره ارتقای سواد رسانه‌ای شهروندان. اما آنچه در مورد صداوسیمای ایران از نظر تجربی و نیز در ادراک عمومی ثبت شده، فاصله‌ای عمیق با این حداقل‌هاست. شواهد نه فقط گواه آن است که این کارکردها محقق نشده، بلکه نشان می‌دهند بخش غالب تولیدات این رسانه در جهتی دیگر سامان می‌یابد، جهتی که در آن پیشاپیش مرزهای مشروعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعیین شده و هر صدای بدیلی یا به حاشیه رانده می‌شود یا از میدان بازنمایی بیرون می‌افتد. به تعبیر دقیق‌تر، ما در اینجا با نوعی تناقض ساختاری روبه‌رو هستیم بودجه از کل جامعه می‌آید، اما کارکرد در خدمت گفتمانی اقلیتی بازتولید می‌شود که خود را حقیقت مطلق می‌پندارد. این شکاف میان منابع مالی و جهت‌گیری محتوایی، به گمان من یکی از ریشه‌های اصلی بحران مشروعیت این رسانه است.

***شما از یک تناقض ساختاری سخن می‌گویید. اما آیا این تناقض ریشه در جایگاه نهادی خاص صداوسیما ندارد؟ نهادی که نه دولتی است در معنای متعارف، نه عمومی، و نه خصوصی. به عبارت دیگر، آیا صداوسیما اساساً در هیچ کدام از دسته‌بندی‌های شناخته‌شده نظام‌های رسانه‌ای جهان نمی‌گنجد؟**

– صداوسیما را نمی‌توان به‌راحتی با الگوهای مرسوم رسانه‌ای در جهان تطبیق داد. از یک سو، دولت منتخب مردم، نه اختیار تعیین سیاست‌های کلان آن را دارد و نه می‌تواند در سازوکارهای مدیریتی و محتوایی آن مداخله مؤثر کند. پس رسانه‌ای دولتی به معنای کلاسیک کلمه نیست. ازسوی دیگر، آن را نمی‌توان یک رسانه عمومی به شمار آورد، چراکه نه از دل مشارکت مدنی و صنفی جامعه شکل گرفته و نه در برابر نهادهای مدنی پاسخگوست. نه شهروندان عادی، نه انجمن‌های حرفه‌ای و نه احزاب و گروه‌های اجتماعی هیچ کدام نقشی در تعیین خط مشی یا نظارت بر عملکرد آن ندارند. بنابراین شاید صریح‌ترین توصیف برای این نهاد آن باشد که هزینه‌اش بر دوش همگان است، اما منافعش به‌طور نامتناسبی نصیب یک طیف خاص می‌شود، طیفی که در رادیکال‌ترین بخش جریان اصولگرا تعریف می‌شود و حتی پدران معنوی خود –اصولگرایان سنتی– را هم برنمی‌تابند. این طیف، انحصار را به نام امنیت توجیه می‌کند و ایدئولوژی موردنظر خود را به نام ارزش‌های ثابت و فراتاریخی تثبیت می‌سازد. نتیجه این جایگاه نهادی نامتعارف، وضعیتی است که هم منطق پاسخگویی و هم منطق رقابت از آن رخت بربسته است.

***اما خود این نهاد تلاش می‌کند با پوشیدن جامه ملی این شکاف را بپوشاند. یعنی خود را نماینده کل جامعه معرفی می‌کند، نه فقط یک جریان خاص. این پوشش نمادین تا چه اندازه در تحلیل شما جدی است؟**

– کاش این جامه "ملی" بر قامت این رسانه می‌آمد. اما واقعیت آن است که هر ناظر بی‌غرضی متوجه می‌شود که این جامه، به تن صداوسیما گشاد و بی‌تناسب است. بگذارید صریح بگویم هرچند جامعه یا به قول خودشان مردم، بی‌وقفه بر زبان صاحب‌نظران و مدیران صداوسیما جاری است، اما تعریفی که از این مردم در ذهن و عمل دارند، به شدت انقباضی و گزینشگرانه است. آن‌ها مردم را با تصویری از خودشان یکی می‌گیرند، جمعی نسبتاً کوچک، همسان در باورها، هماهنگ در سلیقه، و مطیع در برابر تفسیر خاصی از دین و سیاست. آن دیگری بزرگ – کسانی که نگاه دیگری به زندگی دارند، سلیقه دیگری در هنر، تفسیر دیگری از دیانت، یا انتقادی به سیاست – در این تعریف نه فقط جایی ندارد، بلکه چه بسا مردم هم محسوب نمی‌شود! به بیان روشن‌تر، صداوسیما به جای آنکه آینه تمام‌نمای یک جامعه چندصدا باشد، خود به مرجعی برای تعیین هویت مردمِ راستین بدل شده و طبیعی است که این مردمِ راستین همیشه در اقلیت باقی می‌مانند. چنین اقلیتی هرچقدر همِ پرشور باشد، نمی‌تواند به تنهایی مشروعیت یک رسانه سراسری را تأمین کند.

***مقایسه تطبیقی صداوسیما با نظام‌های رسانه‌ای دیگر کشورها چه درس‌هایی به ما می‌دهد؟ آیا صرفاً مسئله کمبود بودجه یا نیروی انسانی است، یا ریشه‌ای عمیق‌تر دارد؟**

– مسئله کمبود بودجه یا نیروی انسانی نیست. نگاهی به تجربه کشورهای دیگر این نکته را روشن می‌کند که می‌توان رسانه‌ای با بودجه عمومی داشت بدون آنکه استقلال حرفه‌ای و تکثر جامعه فدا شود. برای نمونه در آلمان، شبکه‌هایی مانند ای‌آردی و زددی‌اف در چارچوبی فدرال فعالیت می‌کنند و ساختار مدیریتی آنها چنان طراحی شده که مانع از سلطه یک جریان سیاسی خاص بر محتوای رسانه‌ای شود. در ژاپن، ان‌اچ‌کی به‌عنوان رسانه‌ای حرفه‌ای، زیر نظر نهادهایی عمل می‌کند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم نماینده افکار عمومی هستند. اما نکته جالب‌تر، تجربه کشورهایی است که در زمره دموکراسی‌های لیبرال قرار نمی‌گیرند. ترکیه را در نظر بگیرید: با وجود انتقادات جدی به میزان استقلال رسانه‌های دولتی، شبکه دولتی تی‌آرتی در کنار حضور انبوه رسانه‌های خصوصی و متنوع فعالیت می‌کند و شهروندان – دست‌کم از نظر فنی – قدرت انتخاب میان ده‌ها کانال با رویکردهای متفاوت را دارند. یا الجزیره در قطر با وجود وابستگی آشکار به ساختار قدرت سیاسی این کشور، در چارچوب یک رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف شده و ناگزیر است استانداردهای حرفه‌ای، جذابیت محتوایی و پاسخگویی به مخاطبان گوناگون را رعایت کند.

***با این وصف، پیامدهای این ساختار خاص برای مخاطب و برای مرجعیت خبری صداوسیما چه بوده است؟**

– صداوسیما در سال‌های اخیر با روندی از کاهش اقبال مخاطب مواجه بوده و مرجعیت خبری خود را، به ویژه در بزنگاه‌های بحرانی، تا حدودی از دست داده است. نکته مهم آنکه این کاهش اقبال نه فقط در میان نسل جوان یا طبقات مرفه شهری، که حتی در میان بخش‌هایی از جامعه که به طور سنتی حامی نظام محسوب می‌شوند نیز دیده می‌شود. در بحران‌های سنوات گذشته – از اعتراضات دی۹۶ تا آبان ۹۸ و رویدادهای ۱۴۰۱ – و حوادث تاسف بار اخیر، این رسانه نه تنها نتوانست نقش میانجی اعتماد یا اطلاع‌رسانی بی‌طرف را ایفا کند، بلکه در ادراک بخش‌های بزرگی از جامعه به عاملی برای تشدید بی‌اعتمادی و حتی تحریک تقابل‌ها بدل شد. بسیاری از شهروندان در آن روزها به جای نگاه به صداوسیما برای فهم حقیقت، به شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌های خارجی یا حتی رسانه‌های فارسی‌زبان فرامرزی روی آوردند. این یعنی انحصار حقوقی و قانونی صداوسیما نتوانسته به نفوذ اجتماعی و اعتماد عمومی ترجمه شود. حاصل این وضعیت، ترکیبی پارادوکسیکال است، هزینه‌های بالا در قبال اثرگذاری اندک. این بی‌تناسبی میان هزینه و اثر، مصداق بارز تخصیص نابهینه منابع عمومی است.

***اگر بخواهیم از منظر جامعه‌شناسی نگاهی به کارکردهای اقتصادی، مذهبی و سیاسی صداوسیما بیندازیم، چه تصویری به دست می‌آید؟**

– صداوسیما در هر سه حوزه – اقتصاد، مذهب و سیاست – نه به مثابه نهادی که گفت‌وگوی عمومی را تسهیل کند، بلکه به مثابه بازوی گفتمانی یک نظم ارزشی خاص عمل می‌کند. بیایید مورد به مورد بررسی کنیم. در سطح اقتصادی، صداوسیما پیوسته و با شدت تمام، مبلغ نوعی نگاه مداخله‌گر دولت در اقتصاد است، نگاهی که در آن مکانیسم بازار و رقابت آزاد با سوءظن و گاه دشمنی نگریسته می‌شود و حاکمیت به‌عنوان کنشگر اصلی در سامان‌دهی زندگی اقتصادی معرفی می‌گردد. آنچه در این میان غایب است، هرگونه گفت‌وگوی جدی میان مکاتب مختلف اقتصادی است. در عوض، آنچه می‌بینیم بازنمایی گزینشی و جهت‌داری از سیاست‌های ضدرقابتی، ضدبازار و ضدحرکت آزاد کالا و سرمایه است. در سطح مذهبی نیز همین الگو به شکلی دیگر تکرار می‌شود. صداوسیما یک قرائت خاص، انحصاری، رادیکال و تک‌صدا از دین را بازتولید می‌کند و از بازنمایی تنوع درون‌دینی، تجربه‌های متفاوت دینداری، یا دیدگاه‌های انتقادی نسبت به فهم رسمی از شریعت به شدت پرهیز دارد. نتیجه این رویکرد، نه تقویت گفت‌وگوی دینی در جامعه، که تثبیت مرزهای سخت و غیرقابل عبور میان مجاز و نامجاز دینی است. و نهایتاً در حوزه سیاسی، منطق صداوسیما را در محدودسازی رقابت سیاسی می‌توان به وضوح مشاهده کرد. رسانه‌ای که از قبل تعیین می‌کند کدام کنشگر سیاسی واجد مشروعیت است، کدام ایده‌ها قابلیت طرح در فضای عمومی را دارند و کدام صداها بهتر است شنیده نشوند، عملاً از کارکرد اصلی خود یعنی اطلاع‌رسانی منصفانه فاصله گرفته و به ابزاری برای حذف رقبا تبدیل می‌شود.

***و در کنار اینها، صداوسیما علاوه بر کارکرد تولید محتوا، مسئولیت نظارت و ممیزی بر سایر رسانه‌های صوتی و تصویری فراگیر را نیز بر عهده گرفته است. این وضعیت چه خوانشی دارد؟**

– این هم طنز تلخیست که صداوسیما متولی نظارت بر رقبایش است! یعنی هر رسانه صوتی یا تصویری دیگری که بخواهد در فضای رسمی فعالیت کند باید از فیلتر ممیزی و نظارتی همین نهاد عبور کند که در هر نظام حکمرانی عقلایی، از آن به عنوان یکی از مصادیق بارز تعارض منافع ساختاری یاد می‌شود. تصور کنید در یک مسابقه فوتبال، سرمربی یکی از تیم‌ها همزمان رئیس کمیته داوران باشد و هم مسئول تعیین زمین مسابقه و هم ناظر بر عملکرد سایر باشگاه‌ها.

***پیامد این وضعیت برای شهروندان و برای کیفیت رابطه جامعه با این رسانه چیست؟**

– مهم‌ترین پیامد این ساختار، محدود شدن امکان ابراز نظر و نقد در صداوسیماست. رسانه‌ای که پیشاپیش مرزهای مجاز بودن اندیشه و امکان شنیده شدن صداها را تعیین می‌کند، دیگر نمی‌تواند واسطه مناسبی میان جامعه و قدرت باشد. وقتی شما از پیش می‌دانید که کدام نقد را می‌شود گفت، کدام پرسش را می‌توان مطرح کرد و کدام گزاره از ابتدا غیرقابل طرح اعلام می‌شود، دیگر با رسانه مواجه نیستید بلکه با سازوکاری روبرویید که در آن منطق رسانه‌ای جای خود را به منطق ابزارگونه داده است. در منطق رسانه‌ای، هدف جستجوی حقیقت از طریق رقابت آرا است. در منطق ابزارگونه، هدف حفظ و تثبیت نظم گفتمانی گروهی خاص است، حتی به بهای نادیده گرفتن واقعیت‌های آشکار اجتماعی. و اینجاست که پرسش بودجه عمومی و نبود پاسخگویی به اوج خود می‌رسد که چگونه می‌توان با پول مالیات شهروندان ابزاری ساخت که صدای بخش قابل توجهی از آن‌ها را نادیده می‌گیرد؟

***به نظر می‌رسد کل این بحث به یک نقطه کانونی بازمی‌گردد، مسئله پاسخگویی. اما پاسخگویی در ساختار صداوسیما به چه معناست و چه موانعی بر سر راه آن وجود دارد؟**

– به گمان من پاسخگویی نه یک حاشیه، که متن مسئله است. آنچه صداوسیما را از یک نهاد ناکارآمد به یک مسئله ساختاری در نظام حکمرانی بدل کرده، فقدان نظام‌مند و تعمیم‌یافته سازوکارهای پاسخگویی است. بگذارید پرسش‌هایی را مطرح کنم که اگر صداوسیما یک نهاد پاسخگو بود، باید به آنها پاسخ می‌داد، اما اکنون عملاً بی‌پاسخ می‌مانند. چرا این حجم از بودجه عمومی به نهادی اختصاص می‌یابد که در بخش قابل توجهی از جامعه مخاطب خود را از دست داده است؟ معیارهای تعیین سیاست‌های محتوایی – از پخش یک فیلم تا حذف یک مجری – چیست و چه نهادی مسئول ارزیابی پیامدهای اجتماعی این سیاست‌هاست؟ ریزش مستمر مخاطب بر چه اساس و با چه داده‌هایی تحلیل می‌شود و این ریزش چه تأثیری بر تخصیص منابع و طراحی برنامه‌ها داشته است؟ نهایتاً، نارضایتی که در افکار عمومی نسبت به عملکرد صداوسیما وجود دارد، از چه مسیری می‌تواند به اصلاح سیاست‌ها منجر شود؟ در نظام‌های رسانه‌ای پاسخگو، چنین پرسش‌هایی از طریق کانال‌های مشخصی پیگیری می‌شوند و نهایتاً شهروندان و نهادهای مدنی امکان اثرگذاری ساختاری بر تصمیم‌گیری‌ها دارند. در ساختار صداوسیما، این کانالها وجود ندارند. این وضعیت را می‌توان اینگونه خلاصه کرد که خلأ پاسخگویی، هرگونه اصلاح سطحی را محکوم به شکست می‌کند.

***خوب، با این تحلیل از وضع موجود، چه راهکاری برای اصلاح رویه قابل توصیه است؟ آیا اساساً راه برون‌رویی از این وضعیت وجود دارد، یا ما با یک بن‌بست نهادی روبه‌روایم؟**

– به نظرم چارچوب اصلاحات در این نهاد می‌باید حداقل مشتمل بر سه پایه باشد. نخست، شکستن انحصار رسانه‌ای. تا وقتی یک نهاد تنها صاحب امتیاز پخش سراسری است، نه رقابتی در کار خواهد بود، نه انگیزه‌ای برای تغییر. تجربه جهانی نشان داده که تنوع مالکیت و رقابت میان چند رسانه سراسری – اعم از عمومی و خصوصی – کیفیت را افزایش و نارضایتی را کاهش می‌دهد. دوم، ایجاد استقلال حرفه‌ای. یعنی رسانه باید فارغ از فشارهای ایدئولوژیک مستقیم و غیرمستقیم، بتواند براساس موازین حرفه‌ای رسانه‌ای –بالحاظ تکثر موجود در جامعه– عمل کند. و سوم، برقراری سازوکارهای پاسخگویی نهادی. شهروندان باید بتوانند نسبت به عملکرد رسانه‌ای که از جیب آن‌ها ارتزاق می‌کند، پرسش بگذارند، نقد کنند و ببینند که این نقدها مؤثر واقع می‌شود. بدون این سه تغییر حداقلی، صداوسیما همچنان در مدار ناکارآمدی و کاهش مشروعیت خواهد چرخید، و این نه به نفع جامعه است و نه حتی در بلندمدت به نفع نیروهای سیاسی که از وضعیت کنونی صداوسیما سود می‌برند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۰۳۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پارسیان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای عبد الصمد زارع فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۹۰ صادره از پارسیان در یک باب ساختمان به مساحت ۲۴۰ متر مربع پلاک ۶۲ فرعی از ۱۹۳۳ واقع در پارسیان خریداری از مالک رسمی آقای احمد قاسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۵/۴/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۵/۱۵
م الف ۱۷۰۸/۷۴

جمیل پار
رییس ثبت اسناد و املاک پارسیان

آگهی تجدید مناقصه نوبت اول

شهرداری گرمسار در نظر دارد نسبت به تهیه نقشه فتوگرامتری، ممیزی املاک و ایجاد پایگاه اطلاعاتی مکانی GIS و پیاده سازی سیستم یکپارچه شهرسازی. املاک را از طریق تجدید مناقصه عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد تجدید مناقصه با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) و با شماره مناقصه الکترونیکی ۲۰۰۵۰۵۰۳۶۰۰۰۰۰۱۴ اقدام نماید.

زمان انتشار در سایت ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ ساعت ۱۰:۰۰ صبح ، مهلت دریافت اسناد تجدید مناقصه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ ساعت ۱۲:۰۰ و آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ ساعت ۱۵:۰۰ زمان بازگشایی ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ ساعت ۱۰:۰۰ صبح می باشد، ضمناً شرکت کنندگان در تجدید مناقصه باید مشمول قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی و شهرداریها نباشند.

جعفر پرچ – شهردار گرمسار

موضوع: المثنی پلاک ۲۲۱ فرعی از ۱۲۵۳ اصلی
آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای غلامعلی دوستی ایرانی فرزند حجت اله با ارائه دو برگ استشهاد محلی که هویت و امضا شهود رسما گواهی شده مدعی است سند مالکیت تک برگ شش دانگ یک باب خانه به پلاک ثبتی دویست وبیست ویک فرعی از یکهزارودویست وپنجاه و سه اصلی واقع در بروجن که در صفحه ۵۹۵ دفتر ۴۲ تحت شماره ۵۷۲۴ ثبت و سند مالکیت به شماره ۳۰۵۵۹۱ سری ج سال ۱۳۹۳ صادر گردیده را بعلت سهل انگاری مفقود نموده و درخواست صدور المثنی سند مالکیت نامبرده را نموده لذا طبق تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب آگهی میشود که هر کس مدعی انجام معامله (غیر از آنچه در این آگهی ذکر شده) نسبت به آن یا وجود سند مالکیت مزبور نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا ده روز به این اداره مراجعه و اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید تا مراتب صورتمجلس و اصل سند به ارائه کننده مسترد گردد اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود المثنی سند مالکیت مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم میگردد./.

ابراهیم جعفری – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بروجن

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده وعادی بطور فوق العاده
شرکت تولیدی لوازم خانگی نانیوا (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۴۸۸۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۹۳۹۷۹

به اطلاع سهامداران گرامی می رساند مجمع عمومی فوق العاده وعادی بطور فوق العاده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵در ساعت ۹ صبح در محل قانونی شرکت برگزار خواهد شد.
دستور جلسه: ۱) افزایش سرمایه شرکت ۲) انتخاب بازرس قانونی اصلی و علی البدل شرکت
از تمامی سهامداران محترم درخواست میشود در این جلسه حضور بهم رسانند.

هیئت مدیره

آگهی ابلاغ رای قابل پژوهش
آقای سدیر نجاری

با توجه به اینکه پرونده شمادر هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان مطرح و منجر به صدور رای بازنشستگی با تقلیل یک گروه گردیده لذار در اجرای ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی ظرف یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی به امور اداری این اداره مراجعه و اوراق مربوطه را دریافت نمایید. این آگهی به منزله ی ابلاغ قانونی می باشد

احمد علی سرحدی مدیر آموزش و پرورش منطقه آزاد چابهار

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی:
۷۷۶۴۴۴۱۰-۷۷۶۴۴۴۱۱
نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲

فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب زیبا علی نژاد فرزند جواد به شماره ملی ۱۶۸۸۸۶۷۹۹۶ صادره از بناب در مقطع کاردانی رشته تربیت معلم آموزش و پرورش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی آزاد بناب با شماره ۴۰۵۸۹۰۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب به نشانی خیابان امام، بلوار لاله، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی بناب ارسال نمایند.(بناب)

اصل برگ سبز خودرو کامیونت یخچالدار ایسوزو NKR۵۵ مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید به شماره ۶۹۲۹۴۴ و شماره شاسی NAGNKR۵۵E۰۸۷۰۸۲۴۶ به شماره پلاک ۹۱۹ ع ۴۸ ایران ۸۴ بنام سیامک صحافی بندری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اینجانب نسیبه قادریان مالک خودرو سواری سمند LX-EF۷ مدل ۱۳۸۸ به شماره شاسی NAACJ۱JC۲AF۲۵۷۲۵۸ و شماره موتور ۱۴۷۸۸۰۰۵۹۶۲ و شماره پلاک ۷۱ - ۶۵۳ س ۵۳ بعلت فقدان اسناد فروش (سند کمپانی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را دارم. (شهرکرد)

برگ سبز و کارت موتورسیکلت شهری تیپ ۱۲۵CC CDI به رنگ آلبالویی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۵۶FMI۱۲۱۵۸۴۸۳ و شماره تنه NB۳***۱۲۵A۸۹۷۷۹۱۷ به شماره پلاک ایران ۵۱۵۳۶/۴۹۸ به نام اسداله اسدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند مالکیت موتورسیکلت چابک ۱۲۵ سی سی مدل ۱۳۸۳ شماره انتظامی ۵۸۲ - ۲۵۲۹۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. لاهیجان

سند مالکیت موتورسیکلت نیرو موتور شیراز احسان ۱۲۵ سی‌سی مدل ۱۳۸۹ شماره انتظامی ۵۷۸ - ۲۸۹۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. لاهیجان

برگ سبز خودروی سواری سایپا تیپ تیبا (CNG) به شماره انتظامی ۳۷ط۳۸۲ ایران۵۶ مدل۱۳۹۴ به رنگ خاکستری متالیک به شماره موتور ۲۴۳۳۴۷به شماره شاسی NAS۸۱۲۱۰۰F۵۸۶۵۵۷۷ بنام مهرداد گودرزوند چگینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد. رودبار گیلان

برگ سبز موتورسیکلت تکنو ۱۲۵ به رنگ زرشکی مدل ۱۴۰۳ شماره تنه N۴۲AD۸KNBR۱D۰۰۴۹۰ شماره موتور ۰۱۲۴N۴۲۰۲۳۱۹۴ شماره پلاک ۷۸۲۹۴ ایران ۸۲۴ به نام میلاد درزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. نیکشهر

برگ سبز خودرو سواری کرایه پژو تیپ ۴۰۵ جی ال ایکس آی ۸/۱ مدل ۱۳۸۶ به رنگ زرد-روغنی به شماره پلاک ۶۹۶ع۵۴ ایران۱۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۴۷۷۶۷ به شماره شاسی ۴۰۳۱۸۹۹۰ بنام مهرداد علیزاده باشماره ملی ۳۲۵۰۳۰۹۲۰۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. کرمانشاه

برگ سبز و جفت پلاک سواری پژو ۴۰۵GLX-۱۶۰۰cc مدل ۱۳۹۰ به رنگ نقره ای متالیک شماره موتور ۱۳۹۸۹۰۰۵۱۱۹ شماره شاسی NAAM۳۱FC۱BK۲۴۰۳۳۷ شماره پلاک ۹۱۸ ط ۸۹ ایران ۸۵ به نام عباس بولاقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. زاهدان

سند مالکیت وسیله نقلیه (برگ سبز)خودرو سواری هاچ بک سیستم سایپا تیپ QUIK R مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید قرمز به شماره پلاک ۵۱ - ۷۱۷ ص ۷۱ بنام سیده سمیه حسینی به شماره موتور M۱۵۹۵۰۹۳۱۴ شماره شاسی NAPX۲۱۲AAN۱۰۹۳۲۵۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. سنندج

آگهی مفقودی
برگ سبز، سند کمپانی و کارت و کلیه مدارک سواری پژو آردی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ به رنگ یشمی به شماره انتظامی ۲۹۴ ق ۱۶- ایران ۷۳ و شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۲۳۱۱۰ و شماره شاسی ۲۳۴۱۷۳۴۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. (سمیرم)

سند کمپانی وکارت سوخت وکارت ماشین سواری پژو ۴۰۵ مدل۱۳۹۷ پلاک ۸۴ _ ۶۵۶ _ ق _ ۸۳ به شماره موتور ۱۱۹۱۰۲۰ وشماره شاسی۳۹۲۶۱۳ بنام احمد رخش‌ماه کد ملی ۵۵۴۹۹۶۳۶۱۲ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد. (فارسان)

اصل سند کارخانه و برگ سبز (شناسنامه) مالکیت خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۹۱ به شماره انتظامی ۷۵- ۷۲۳ ط ۲۳ به شماره موتور ۱۱۴F۰۰۴۲۲۸۴۱ و شماره شاسی NAAA۵AA۳CG۳۸۲۷۶۵ بنام امیر حسین مقدم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. راور - خواجویی

مفقودی
برگ سبز، برگ کمپانی وکارت سواری ساینا به رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۱۲ایران ۴۲۸ط۹۳ به شماره شاسی ۳۳۰۵۱وبه شماره موتور۹۹۶۷۱۲۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
برگ سبز و برگ کمپانی و کارت خودرو سواری سمند مدل ۱۳۸۳به شماره پلاک ۲۲ایران۹۷۹ص۲۱به شماره موتور ۸۵۰۱۴۵۶۹وشماره شاسی ۱۷۶۲۲۴۹۰مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی
برگ سبز وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰i مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۲۱ایران ۸۲۹ط۹۳ به شماره شاسی NAAA۳۶AA۲۹G۸۳۲۸۱۹و شماره موتور۱۱۴۸۷۰۹۶۴۷۰ متعلق به امیر آقا رضائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۶ شماره انتظامی ایران ۵۴-۴۷۷ ط ۱۷ و شماره موتور۰۱۱۲۷۵۷۰۱۴۶ و شماره شاسی ۷۶۴۰۳۷۳۰ به نام هادی پارسائیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
یزد

مفقودی
برگ سبز، برگ کمپانی و کارت سواری سمند تیپ SE مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۴۱ایران۱۴۸م۹۲ به شماره موتور ۱۲۴K۰۰۳۱۷۸۷ و شماره شاسی NAACN۱CM۸CF۲۱۱۷۸۴ ایوب رحمت آبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فقدان سند
سند کارخانه، تسلسل اسناد و برگ سبز وانت پیکان مدل ۱۳۸۴ بشماره پلاک ۳۹۵ ل ۹۹ - ایران ۲۵ و شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۵۲۳۹۸ همچنین شماره شاسی ۱۲۱۲۷۱۰۳ بنام آرش امیر علیزاده بناب مفقود و فاقد اعتبار است.(بناب)

فقدان سند
برگ سبز سواری تارا مدل ۱۴۰۵ بشماره پلاک ۴۲۳ و ۳۷ - ایران ۱۷ و شماره موتور ۱۸۷B۰۲۳۴۲۰۵ همچنین شماره شاسی NAAY۱۱H۵ATDP۷۸۱۸۵ بنام حبیب الله فرجی زاده مفقود و فاقد اعتبار است.(بناب)

فقدان سند
سند کارخانه، تسلسل اسناد و برگ سبز سواری سمند مدل ۱۳۹۰ بشماره پلاک ۳۶۳ ل ۹۵ - ایران ۲۵ و شماره موتور ۱۴۷۹۰۰۱۱۹۸۲ همچنین شماره شاسی NAACJ۱JC۱BF۲۸۶۶۴۱ بنام طوفان سلیمان زاده مفقود و فاقد اعتبار است.(بناب)

فقدان سند
سند کارخانه، تسلسل اسناد و برگ سبز سواری پراید صبا مدل ۱۳۸۲ بشماره پلاک ۷۶۸ ل ۸۴ - ایران ۲۵ و شماره موتور ۴۹۷۸۹۸ همچنین شماره شاسی S ۱۴۱۲۲۸۲۹۵۶۹۰۴ بنام محترم تقی زاده بابائی مفقود و فاقد اعتبار است.(بناب)

فقدان سند
برگ سبز سواری پیکان مدل ۱۳۸۲ بشماره پلاک ۷۵۷ ل ۸۴ - ایران ۲۵ و شماره موتور ۱۱۲۸۲۰۴۵۴۰۵ همچنین شماره شاسی ۸۲۵۶۵۹۲۷ بنام حبیب برمکی بابا کلک مفقود و فاقد اعتبار است.(بناب)

سندمالکیت (برگ سبز) و سندکارخانه سایپا ۱۱۱SE مدل ۹۵ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۴۸-۳۹۳ص۱۱ و شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰G۵۸۷۷۲۰۲ و شماره موتور M۱۳/۵۶۶۰۶۰۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.(ب)

سندمالکیت (برگ سبز) و سندکارخانه پراید مدل ۸۸ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۵۸-۴۸۸ص۷۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۳۶۵۳۲۹ و شماره موتور ۳۱۹۷۷۱۹مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.(خورموج)

سند مالکیت(برگ سبز) خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۰ به شماره انتظامی ۶۵۹ل۹۶ایران۲۸ به شماره موتور ۱۰FS۸VPSA۳۰۸۰۶۶۳ و شماره شاسی ۸۰۶۱۰۱۶۹ بنام اینجانب فاطمه رائی مفقود واز درجه اعتبار ساقط است. ملایر

سند مالکیت(برگ سبز) خودروی سواری سیستم پ